شنبه ۸ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

با دستور رئیس تشکیلات خودگردان عملیات مسلحانه علیه گروه‌های مقاومت گردان‌های جنین شدت گرفته است

محمود عباس یار کمکی نتانیاهو

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

از هر ۱۰ فلسطینی ساکن کرانه باختری، هشت نفر دست تشکیلات خودگردان به رهبری محمود عباس را با دست غاصبان اشغالگر صهیونیست در یک کاسه می‌بینند! این آمار از آخرین نظرسنجی‌های مرکز مطالعات قدس به دست آمده است. حالا با گذشت بیش از دو هفته از محاصره اردوگاه جنین در کرانه باختری توسط نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان، همکاری کامل این تشکیلات با اشغالگران صهیونیست، بیش از پیش عیان شده است؛ خروجی توافق اسلو، حالا به هیولایی تبدیل شده که توسط صهیونیست‌ها آموزش می‌بیند تا با فرزندان فلسطین مبارزه و کار را برای شهرک‌نشینان آسان کند.

هم‌زمان با الحاق مداوم زمین‌ها در کرانه باختری اشغالی به اراضی اشغال شده توسط صهیونیست‌ها، اسرائیل به‌طور سیستماتیک ارتباط میان نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان و گروه‌های مقاومت کرانه باختری را قطع کرده است. این شرایط زمینه را برای رئیس تشکیلات خودگردان، فراهم کرده تا به نیروهای امنیتی فلسطین (PASF) دستور دهد با استفاده از نیروهای آموزش‌دیده توسط آمریکا و اسرائیل، عملیات مسلحانه‌ای علیه گروه‌های مقاومت گردان‌های جنین آغاز کنند. این تصمیم باعث نارضایتی در میان مقامات تشکیلات خودگردان شد که آن را راهبردی تحت‌هدایت آمریکا و اسرائیل می‌دانستند. نیروهای تشکیلات خودگردان، تحت نظارت نظامی اسرائیل، اردوگاه جنین را محاصره و آب و برقش را قطع کردند و با اعمال مقررات منع رفت‌وآمد، ساکنان را - بسیاری بدون غذا - برای چندین روز محصور کردند. در مدت کوتاهی، این عملیات منجر به تلفات غیرنظامی قابل توجه، ازجمله کشته شدن یک نوجوان به نام ربحی شلبی و یک فرمانده ارشد گردان‌های جنین شد. دفتر بشردوستانه سازمان ملل تشکیلات خودگردان را متهم کرد که بخشی از بیمارستان دولتی جنین را برای اهداف نظامی تصرف کرده و هشت نفر را از داخل این مرکز درمانی بازداشت کرده است.

چرا تشکیلات خودگردان تیغ کشید؟

تحولات امنیتی در اردوگاه جنین از زمانی شدت گرفت که نیروهای امنیتی فلسطینی در جریان درگیری‌ها فرمانده گردان جنین وابسته به سرایا القدس شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی را به همراه یک جوان و یک کودک از ساکنان اردوگاه به شهادت رساندند. در این درگیری هر دوطرف مجروحانی داشتند.

تشکیلات خودگردان فلسطین این کمپین امنیتی را به‌عنوان اقدامی برای اجرای قانون و حفاظت از شهروندان فلسطینی توجیه و اعلام کرده که «حضور افراد مسلح در اردوگاه‌های کرانه باختری دلیل اصلی حملات ارتش اشغالگر اسرائیل به این مناطق به بهانه پایان دادن به مقاومت فلسطینی است و این مسئله شهروندان فلسطینی را در معرض خطر قرار می‌دهد.»

علاوه‌بر این، تشکیلات خودگردان فلسطین نگرانی‌اش را از افزایش فعالیت‌های مقاومتی در کرانه باختری پنهان نمی‌کند و آن را تهدیدی برای موجودیتش می‌داند که با هماهنگی با دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی اشغالگران مرتبط است، بنابراین توسعه قابلیت‌های مقاومت فلسطینی در کرانه باختری موجب کاهش نفوذ امنیتی تشکیلات در کرانه باختری می‌شود و تشکیلات نگران از بین رفتن سلطه خود بر کرانه باختری است.

مقامات تشکیلات خودگردان علت حمله به اردوگاه جنین و محاصره آن را «ترس از نفوذ ایران» اعلام کرده و گفته‌اند که اقدامات نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان به منظور جلوگیری از «تکرار تجربه غزه» در کرانه باختری و جلوگیری از تزریق منابع مالی از سوی ایران برای جذب نیرو و خرید تسلیحات انجام می‌شود. سرتیپ انور رجب، سخنگوی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان اعلام کرد این کمپین امنیتی عناصر خارج از قانون را - به تعبیر وی - هدف قرار می‌دهد که وابسته به دستگاه‌های امنیتی بین‌المللی‌اند. وی به‌ویژه از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران نام برد. رجب درباره نیروهای مقاومت در جنین گفت: «مسلحان جنین مبارزان مقاومت نیستند، بلکه مزدورانی‌اند که به یک دستور کار مشکوک خارجی خدمت می‌کنند.» او در ادعایی این گروه‌ها را به «تلاش‌های شبیه داعش» تشبیه کرد که تناقضات گفتار او را آشکار می‌کند.

برای تأیید این روایت، سرتیپ رجب در بیانیه‌ای که توسط خبرگزاری فلسطینی (وفا) منتشر شد، ادعا کرد که نیروهای امنیتی موفق شده‌اند تعدادی از بمب‌ها و خودروهای بمب‌گذاری‌شده را خنثی سازند که گردان جنین در اردوگاه کار گذاشته بود.

گدایی پول و بیعت با ترامپ

سایت اکسیوس در گزارشی پیش‌تر اعلام کرد عملیات نظامی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین در جنین برای آینده این تشکیلات سرنوشت‌ساز است. این سایت از قول مقامات فلسطینی نوشت که انگیزه اصلی این عملیات ارسال پیامی به دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، مبنی‌بر قابل اعتماد بودن تشکیلات است. این سایت همچنین - به نقل از منابع خود - فاش کرد که دستیاران رئیس‌جمهور محمود عباس پیش از اجرای عملیات جنین، دولت جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا و مشاوران ترامپ را مطلع کرده بودند و ژنرال مایکل فنزل هماهنگ‌کننده امنیتی آمریکا، با فرماندهان امنیتی تشکیلات برای بررسی طرح‌های آن‌ها دیدار کرده بود.

روزنامه لبنانی الاخبار نیز در تحلیلی نوشت: «به نظر می‌رسد اقدامات تشکیلات خودگردان فلسطین تلاشی است برای ارائه یک «هدیه ارزشمند» به دولت جدید آمریکا و جلب‌نظر رئیس‌جمهور منتخب، با این پیام که عملیات نظامی در جنین توانایی «قطع سر مقاومت» را دارد.» اینکه آیا تشکیلات خودگردان می‌تواند مقاومت را به‌طور مؤثر تضعیف کند یا اراده مبارزان برای ادامه مقاومت را بشکند، موضوع دیگری است.

در رسانه‌های اسرائیلی نگرانی‌هایی درباره شکنندگی تشکیلات خودگردان فلسطین مطرح شده است، به‌ویژه با احتمال تغییر وفاداری برخی اعضای آن. این نگرانی موجب‌شده تشکیلات تلاش کند توانایی‌های خود را در سرکوب مقاومت مسلحانه در مناطقی که اسرائیل به آن‌ها کنترل اسمی داده است، نشان دهد. علاوه بر این، دولت بایدن از اسرائیل خواسته بود با کمک نظامی آمریکا به امنیت تشکیلات در کرانه باختری برای حمایت از این عملیات گسترده موافقت کند. با نگاهی به سیر سرکوب‌ها در کرانه باختری به‌ویژه پس از آغاز نسل‌کشی در غزه درخواهیم یافت که این سرکوب‌ها سازمان‌یافته‌تر و برنامه‌ریزی‌شده‌تر از آن است که از سوی نیروهای تشکیلات خودگردان طراحی شود. در بررسی روند همکاری‌های محمود عباس با ایالات‌متحده و اسرائیل برای سرکوب مقاومت به طرحی موسوم به «طرح فنزل» می‌رسیم.

طرح آمریکایی برای مهار مقاومت

برای مقاومت، رفتار نیروهای تشکیلات در اردوگاه جنین سؤالاتی را درباره میزان مشارکت آن‌ها در طرح امنیتی مطرح‌شده توسط ایالات‌متحده در فوریه ۲۰۲۳ پس از نشستی در شهر عقبه اردن تحت نظارت آمریکا و با حضور اسرائیل ایجاد می‌کند. این طرح که طرح فنزل نامگذاری شده توسط ژنرال مایکل فنزل، هماهنگ‌کننده امنیتی آمریکا طراحی شده است.

طبق گزارشی از روزنامه یدیعوت آحارونوت، این طرح اهداف خود را بر پایان دادن به مقاومت مسلحانه در کرانه باختری و تغییر رویکرد تشکیلات خودگردان فلسطین به گونه‌ای که در برخورد با مبارزان فلسطینی سختگیرتر باشد، بنا کرده است.

براساس این طرح واحد نخبه ۱۰۱ تشکیلات خودگردان که توسط نیروهای آمریکایی و کانادایی آموزش دیده بود، پیشگام سرکوب جنین شد. اگرچه منابع تشکیلات خودگردان اجرای مستقیم طرح فنزل را انکار کردند، سه منبع از این تشکیلات که با روبرت اینکلاش، خبرنگار و مستندساز تحقیقی صحبت کردند، دخالت آمریکا را تأیید کردند. بنابر گزارش اکسیوس، مقامات آمریکایی پشتیبانی لجستیکی ازجمله «مهمات، کلاه‌خود، جلیقه ضدگلوله، رادیو، تجهیزات دید در شب، لباس‌های خنثی‌سازی مواد منفجره و خودروهای زرهی» ارائه دادند.

عبدالله عقرباوی، پژوهشگر روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک پیش‌تر در مصاحبه‌ای با الجزیره گفت: «نیروهای امنیتی دستورالعمل‌های سیاسی تشکیلات خودگردان را اجرا می‌کنند.» او افزود که «علی‌رغم تمام کشتارهای جمعی اسرائیل در نوار غزه و هدف‌گیری‌ها و کشتارها در کرانه باختری، تشکیلات همچنان بر شرط‌بندی بر تعهد به هماهنگی امنیتی با اشغالگران باقی مانده است.»

سیاست تفرقه و سقوط مشروعیت ابومازن

سرکوب مقاومت در کرانه باختری باعث اعتراضات گسترده در جنین و اعتصاب عمومی علیه این حمله نظامی شد. یکی از اعضای نیروی امنیت پیشگیرانه تشکیلات خودگردان - که به‌طور ناشناس با میدل‌ایست‌آی صحبت کرد - فاش کرد آمریکا و اسرائیل پشت این یورش بوده‌اند و تشکیلات خودگردان را به اطاعت وادار کرده‌اند: «این فقط حمله تشکیلات خودگردان به فلسطینی‌ها نیست. این همکاری آمریکا و اشغالگران برای وادار کردن تشکیلات خودگردان به این وضعیت است.»

وی گفت در حالی که برخی اقدامات اولیه تشکیلات خودگردان برای حفاظت از مبارزان بود، ارتباط با حماس یک خط قرمز تلقی می‌شد. وی ادامه داد: «وقتی ابومازن [محمود عباس] دستور این عملیات را صادر کرد، اکثر مقامات مخالف بودند و اگرچه اکثر ما که با تشکیلات کار می‌کنیم مخالف بودیم، این دستور اجرا شد.»

این عملیات با انتقاد گروه‌های مقاومت و ساکنان اردوگاه روبه‌رو شد و سؤالاتی را درباره اهداف و انگیزه‌های واقعی این عملیات مطرح کرد، عملیاتی که به گفته آنان «خدمت رایگانی به اشغالگران ارائه می‌دهد» از طریق مقابله با نیروهای مقاومت و کشف بمب‌هایی که از قبل برای مقابله با یورش‌های نیروهای اشغالگر آماده شده بودند.

به‌گفته منابع بومی ساکن کرانه باختری مردم اردوگاه جنین از طریق اقدامات اعتراضی مختلف مانند تظاهرات مردمی، اعتصابات تجاری و درخواست از رهبری تشکیلات خودگردان فلسطین برای عقب‌نشینی نیروهای امنیتی و توقف خونریزی فلسطینی‌ها، اعتراض خود را ابراز کردند. همچنین تأکید کردند اشغالگر صهیونیست نخستین بهره‌بردار از این درگیری داخلی است.

عملیات تشکیلات خودگردان نه‌تنها تلاشی برای پایان دادن به مقاومت فلسطین در کرانه باختری تعبیر شده، بلکه اقدامی برای مرتبط کردن نیروهای مقاومت با تروریسم از طریق توصیف آنان با عنوان ادعایی و موهوم «داعشی‌ها» قلمداد می‌شود که در خدمت برنامه‌های دولت راستگرای افراطی اسرائیل برای تضعیف تشکیلات خودگردان است.

گروه‌های فلسطینی نیز با انتشار بیانیه‌ها و اظهارات سیاسی مشترکاً دلایل ارائه‌شده توسط نیروهای امنیتی برای هدف قرار دادن مقاومت فلسطین در اردوگاه جنین را رد کرده‌اند و بر ضرورت توقف خونریزی فلسطینی و پایان دادن به محاصره اردوگاه تأکید کرده‌اند که در سایه جنگی برای نابودی ملت فلسطین ادامه دارد؛ جنگی که برای دومین سال متوالی در غزه جریان داشته و همراه با تجاوزهای مستمر به کرانه باختری و شهر قدس اشغالی است.

جنبش حماس این عملیات امنیتی در اردوگاه جنین را محکوم کرده و هشدار داده این عملیات در سایه تهدیداتی که متوجه مسئله فلسطین است، ازجمله حملات به نوار غزه، تلاش برای کوچاندن مردم فلسطین، الحاق کرانه باختری و گسترش شهرک‌سازی اسرائیلی صورت می‌گیرد. جنبش جهاد اسلامی نیز تأکید کرده دلایل ارائه‌شده توسط تشکیلات خودگردان را نمی‌پذیرد و عملیات این نهاد علیه نیروهای مقاومت در اردوگاه جنین را محکوم کرده است. این جنبش همچنین بر اهمیت جلوگیری از ریختن خون فلسطینی به دست فلسطینی دیگر تأکید دارد.

اسرائیل با رضایت سرکوب را به نظاره نشسته است

از هفتم اکتبر ۲۰۲۳، عملیات مقاومت فلسطین علیه اهداف اسرائیلی، چه در کرانه باختری و چه داخل خط سبز، افزایش یافته و تأثیرات زیادی بر اشغالگران داشته است، به‌ویژه عملیات‌فردی که شناسایی و پیش‌بینی آن‌ها برای دستگاه امنیتی اسرائیل دشوار است.

عملیات طوفان الاقصی انگیزه مهمی برای افزایش فعالیت‌های مقاومت فلسطینی در کرانه باختری ایجاد کرد. این عملیات باعث تشکیل گروه‌ها و گردان‌های مسلح شد و به توسعه نوع عملیات، شکل آن‌ها و سلاح‌های مورد استفاده در این عملیات کمک کرد، حتی تهدید بازگشت عملیات استشهادی را نیز مطرح کرد.

روزنامه اسرائیلی معاریو در گزارشی به این موضوع اشاره کرده تغییرات در منطقه عربی - به‌ویژه تحولات سوریه - نگرانی‌های اسرائیلی را برانگیخته است که این تغییرات می‌توانند محرکی برای تشدید عملیات نظامی مقاومت در کرانه باختری علیه اهداف اسرائیلی باشند.

نگرانی اسرائیل همچنین از توسعه مقاومت مسلحانه در کرانه باختری ناشی می‌شود، در حالی که نسل‌کشی اسرائیل در غزه ادامه دارد و تشکیلات خودگردان نیز به دلیل ضعفش قادر به کنترل وضعیت مقاومت نیست. برآوردهای اسرائیلی حاکی است کرانه باختری ممکن است به عرصه اصلی نبرد، درکنار جبهه‌های دیگری که ارتش اسرائیل در آن می‌جنگد، تبدیل شود. نشانه رضایت اسرائیل از این عملیات، گزارشی است که روزنامه هاآرتص منتشر کرده و نوشته بود ارتش اسرائیل درحال بررسی تجهیز نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین به تجهیزات نظامی برای حمایت از عملیات نیروهای امنیتی این تشکیلات در اردوگاه جنین در شمال کرانه باختری است. این روزنامه همچنین افزوده بود ارتش اسرائیل «درحال بررسی تقویت همکاری‌های اطلاعاتی با تشکیلات خودگردان است.»

موضع اسرائیل نسبت به عملیات امنیتی فلسطینی‌ها علیه مقاومت در اردوگاه جنین را می‌توان از آنچه مطبوعات اسرائیلی درباره هشدارهای مربوط به افزایش فعالیت‌های مقاومت منتشر کرده‌اند، درک کرد. به‌ویژه در گزارش کانال ۱۴ اسرائیل که درباره تقویت توانایی‌های نظامی و سازماندهی صفوف مقاومت توسط جنبش حماس در کرانه باختری صحبت کرده است.

روزنامه اسرائیل‌هایوم نیز هشدارهایی از سوی شورای امنیتی کوچک اسرائیل منتشر کرده مبنی‌بر اینکه مبارزان کرانه باختری قصد دارند ضربه‌ای نظامی مشابه حمله ۷ اکتبر به اسرائیل وارد کنند. این موضوع، قصد ارتش اسرائیل برای استفاده از سامانه‌های فناوری امنیتی جدید در شهرک‌های اسرائیلی جهت هدف قرار دادن مبارزان فلسطینی را توضیح می‌دهد.

رادیو اسرائیل گزارش داده این سامانه‌ها شامل برج‌های دیده‌بانی و مکانیسم‌هایی برای شلیک از راه دورند و ارتش تصمیم‌گرفته ده‌ها سامانه از این نوع را در ورودی شهرک‌ها و نقاط تماس برای جلوگیری از نفوذ منتشر کند. ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد اخیراً آموزش ۸۴ سرباز برای پیوستن به نیروهای ارتش در کرانه باختری به منظور حفاظت از شهرک‌ها را به پایان رسانده است. کانال ۱۴ نیز به نقل از یک مقام امنیتی اسرائیلی از نگرانی‌هایی درباره احتمال فروپاشی تشکیلات خودگردان فلسطین در سال ۲۰۲۵ خبر داده است. دستگاه‌های امنیتی اسرائیل نگرانند که درگیری‌های جاری در کرانه باختری به سقوط تشکیلات خودگردان منجر شود. این نگرانی‌ها، درخواست‌هایی از سوی دستگاه‌های سیاسی و امنیتی اسرائیل برای تبدیل کرانه باختری به یک جبهه رسمی جنگ را توضیح می‌دهد.

همسویی اسرائیل بر لزوم ضربه زدن به مقاومت در کرانه باختری و تمرکز بخشی از فعالیت‌های نظامی ارتش اشغالگر بر هدف قرار دادن این مقاومت، درکنار توجیهاتی که تشکیلات خودگردان فلسطین برای عملیات‌های خود در اردوگاه جنین ارائه می‌کند، نشان‌دهنده آن است که مقاومت فلسطینی در کرانه باختری درحال پیشرفت از نظر سازماندهی و توانایی‌های نظامی است و در میان جامعه فلسطینی پذیرش بیشتری پیدا کرده است.

آشوب و استبداد؛ آنچه باید در مقابل آن مقاومت کرد

حمید ملک‌زاده
پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی

هر رابطه‌ای دوستانه باشد یا خصمانه متضمن فرازهاوفرودهایی است؛ فرازهاوفرودهایی که باید آن‌ها را در قالب کل واحد و به‌هم‌پیوسته‌ای فهمید، یعنی باید هرکدام از آن‌ها را به‌عنوان دقایقی از یک چیز واحد و به‌عنوان لَختی از یک طرح‌واره بزرگ‌تر دید. تنها در چنین صورتی است که می‌شود هرکدام از آن‌ها را به‌درستی و در جای خود تفسیر کرد. این مسئله وقتی درباره رفتار دولت‌ها و مناسبات بین‌الدولی صحبت می‌کنیم، اهمیت قابل‌توجهی پیدا می‌کند. ازاین‌جهت هر تلاشی برای واردشدن به گفت‌وگویی معنادار درباره آنچه دولت‌ها در ارتباط با هم یا در حوزه داخلی خود انجام می‌دهند، باید با درنظرگرفتن چنین طرحی صورت بپذیرد. در نظریه‌های روابط بین‌الملل مرسوم است که برای این طرح کلّی از مفهوم امنیت ملی استفاده می‌کنند. ازاین‌جهت مفهوم منافع ملی به اصلی بنیادین در پژوهش‌هایی که در روابط بین‌الملل صورت می‌پذیرند، تبدیل شده است. من در این یادداشت کوتاه تلاش می‌کنم تا ابتکار عمل دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال تحرکات دشمنان خود در حوزه‌های مختلف مربوط به سیاست داخلی یا خارجی را به اعتبار فهمی از مفهوم منافع ملی توضیح دهم.

منافع ملی یک مفهوم چندوجهی

در نگاه اول این‌طور به نظر می‌رسد که منافع ملی مفهوم سرراستی باشد که می‌شود آن را به‌عنوان اصل راهنمای هر عملی در سیاست خارجی و داخلی مورداستفاده قرارداد؛ ستاره راهنمایی در دریای پرتلاطم سیاست که تنها کافی است به‌خوبی در مسیر آن قرار گرفته و به ساحل امن آرامش دست پیدا کرد. مع‌هذا مفهوم منافع ملی آن‌طور که در ابتدای امر به نظر می‌رسد ساده و در دسترس نیست؛ تا جایی که می‌توان گفت نمی‌توان فهمی واحد از آن ارائه کرد. این مسئله بیشتر ناشی از این واقعیت است که ارزش‌های اساسی نیروبخش به این مفهوم تفسیرپذیر هستند. ارزش‌هایی مثل «امنیت وجودی، امنیت رفاهی، حفظ و افزایش اقتدار دولت در مقابل دولت‌های دیگر و پرستیژ بین‌المللی» هرکدام ممکن است به‌صورت‌های متفاوتی تفسیر شوند. ازآنجایی که تفسیرهای متفاوت از این مفاهیم به تصمیم‌های گوناگونی در سیاست خارجی و سیاست‌گذاری داخلی منتهی می‌شود، لازم است تا قبل از تلاش برای فهمیدن رفتار دولت‌های مختلف به فهمی که بازیگران سیاسی مختلف از آن‌ها دارند، پرداخته شود. ازاین‌جهت در تحلیلی که هر مفسر سیاسی یا تحلیلگر بین‌المللی درباره مسائل مربوط به این حوزه انجام می‌دهد قبل از هر چیز باید گزاره‌های معنادار و روایت‌های منسجمی را درباره فهم بازیگران موردنظر از مفهوم منافع ملّی در نگاه بازیگران موردنظر خود فراهم آورده باشد. اگر آنچه در اینجا آورده‌ام را از من بپذیرید آنگاه تصدیق خواهید کرد که یک پژوهش معنادار در زمینه روابط میان دولت‌ها به‌جای اینکه بر تعاریف موجود در این یا آن نظریه روابط بین‌الملل از مفهوم منافع ملی استوار باشد، به فرایندهای منتهی به برساخته شدن این یا آن فهم خاص از منافع ملی در گفتار و رویکردهای رهبران سیاسی توجه می‌کند.

منافع ملی مسائل اساسی ملت در ارتباط با دشمن خارجی

وقتی از مسائل اساسی ملت صحبت می‌کنیم باید این مفهوم را دو وجه متفاوت بفهمیم: الف. آنچه ملت ضمن کنارگذاشتن رویکرد عام و عمومی از این مفهوم افاده می‌کنند؛ ب. آنچه کارگزاران دولتی، از رهبران عالی‌رتبه سیاسی تا نهادهای تأثیرگذار در سازوکارهای تصمیم‌گیری ملی از این مفهوم در ذهن حاضر می‌کنند. عموماً در وجه اول در بهترین حالت منافع ملی را به‌عنوان منافع محدود و جزئی افراد خصوصی یا گروه‌های منافع محدود می‌فهمند. درحالی‌که در وجه دوم منافع کلی را به اعتبار رویکردی دولت-محور صورت‌بندی کرده‌اند. آنچه در این نوشته برای من از اهمیت برخوردار است برقرارکردن رابطه جامعی میان این دو شکل خاص از صورت‌بندی‌کردن مفهوم منافع ملی است که هم به منافع خصوصی‌تر توجه داشته باشد و هم مسائل عام مربوط دولت را در نظر بگیرد. من با عنایت به همین معنا از اصطلاح منافع ملی است که تلاش می‌کنم به موضوع اصلی نوشته حاضر بپردازم.

نه استبداد و نه هرج‌ومرج سازوکار حفظ دولت در جمهوری اسلامی ایران

در مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران درباره مسائل بنیادین مربوط به تأثیر روندهای جاری در منطقه غرب آسیا بر دولت جمهوری اسلامی ایران حداقل دو بار به موضوع بنیادینی اشاره شده است که می‌شود آن را به‌عنوان اصلی که باید برای معلوم کردن فهم ایشان از اصول بنیادینی که در سیاست خارجی و داخلی دولت ایران مورداستفاده قرار بگیرد در نظر گرفت؛ ضرورت پرهیز از استبداد داخلی و هشیار نسبت به هرج‌ومرج اجتماعی در داخل کشور. من این‌طور فکر می‌کنم که این اصل بنیادین را می‌توانیم هم به‌عنوان اصل راهنمایی برای تبیین سیاست داخلی ایران و هم به‌عنوان اصلی اساسی در رابطه ایران در محیط بین‌الملل و در ارتباط با دولت‌های دیگر فهمید. این موضوعی است که در موقعیت‌های مختلف و در رخدادهای تاریخی گوناگون در منطقه غرب آسیا به طور هم‌زمان قابل راستی‌آزمایی است؛ مثلاً نمونه‌ای که در بیانات رهبر انقلاب آمده شده است را در نظر بگیرید؛ در سوریه، که مسئله‌ای عاجل در سیاست منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران است الگوی ایجاد هرج‌ومرج برای ازبین‌بردن وحدت داخلی، ایجاد ترس و ناامیدی عمومی و بی‌عملی غالب بوده است. موضوعی که تنها وقتی ممکن می‌شود که حد قابل‌توجهی از ناامیدی در کنار نوعی ازبین‌رفتن احساس تعلق یا غیرت ملی و مذهبی در میان آحاد ملت جریان داشته باشد. ازاین‌جهت ابتکار عمل دولت‌ها برای جلوگیری از توفیق دشمن‌های خارجی در ایجاد ترس و وحشت، ترویج اباحه‌گری در قبال ارزش‌های ملی و قانونی موضوع بسیار مهمی است که در جمهوری اسلامی ایران باید همواره در ذهن کارگزارانی که به هر نحوی در این زمینه تصمیم می‌گیرند وجود داشته باشد. یکی دیگر از روش‌هایی که برای به چالش کشیدن امنیت کشورهای مختلف مورداستفاده قرار می‌گیرد بر ایجاد نظام‌های استبدادی و پادشاهی‌های مطلقه در کشورهایی که به‌نحوی مورد طمع ایالات متحده آمریکا هستند، دلالت می‌کند. این هر دو از مسائلی است که دولت جمهوری اسلامی ایران باید به انحای مختلف با آن مبارزه کند؛ چه از طریق پایبندی به مناسبات نهادی که اعمال نهادمند حاکمیت قانونی در کشور را تضمین می‌کند و چه از طریق مقاومت در مقابل تلاش‌هایی که باهدف ایجاد هرج‌ومرج در کشور صورت می‌پذیرند. این هر دو موضوعات بسیار مهمی هستند که باید برای به‌دست‌آوردن فهمی مناسب از ابتکارات دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل برنامه‌هایی که دشمن خارجی برای به چالش کشیدن ایران در نظر دارد به آن‌ها توجه کرد.